

تمهیداتی بر نظریهٔ زبان

نوشته

آقای یلمزلف

ترجمه:

محمدانین شاکری



شرکت سهامی انتشارات خوارزمی

Louis Hjelmslev

Prolegomena to a Theory of Language

تاب او: ۱۰، یبشت ماه ۱۳۹۷ ه. ش. - تهران

آیا به فتانه كهوند

لے ہو گرا، چپ و صحافی: سروش

تعداد: ۲۰۰ نسخه

حق هر گونه چاپ و انتشار و تکثیر ه هیه و هر نوع نشر مخصوص

شرکت سهامی (خاص) امارات خوارزمی است.

شابک ۷-۱۵۹-۴۸۷-۹۶۴-۷۹۰۸-۱۵۹-۷-964-ISBN 978

سرشناسه	یلمزلف، لویی، ۱۸۹۹-۱۹۶۵ م.
عنوان و نام پدیدآور	تمهیداتی بر نظریه زبان / نوشته لویی یلمزلف؛ ترجمه محمدامین شاکری،
مشخصات نشر	تهران: خوارزمی، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	۲۹۶ ص. ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک	978-964-487-159-7
وضعیت فهرست‌نویسی	فیا
یادداشت	کتاب حاضر از متن انگلیسی تحت عنوان Prolegomena to the theory of language، 1961 به فارسی برگردانده شده‌است.
یادداشت	واژه‌نامه
یادداشت	کتابنامه
یادداشت	نمایه
موضوع	زبان
موضوع	Language and languages :
شناسه افزوده	شاکری، محمدامین، ۱۳۶۷، مترجم
رده‌بندی کنگره	۱۳۹۶ ت ۸ ی ۱۰۵ / P
رده‌بندی دیویی	۴۰۱
شماره کتابشناسی ملی	۴۹۴۶۷۴

قیمت: ۳۲۰۰۰ تومان

فهرست

۷	پیشگفتار مترجم
۳۵	۱. مطالعه زبان و نظریه زبان
۴۵	۲. نظریه زبانی و ارمانیسم
۵۰	۳. نظریه زبانی و تئوری گرامر
۵۲	۴. نظریه زبانی و استعاره
۵۵	۵. نظریه زبانی و واقعیت
۵۹	۶. هدف نظریه زبانی
۶۴	۷. چشم‌اندازهای نظریه زبانی
۶۷	۸. نظام تعاریف
۶۹	۹. اصل تحلیل
۸۲	۱۰. صورت تحلیل
۸۹	۱۱. نقش‌ها
۱۰۳	۱۲. نشانه‌ها و نمایه‌ها
۱۱۱	۱۳. بیان و محتوا
۱۳۰	۱۴. گونه‌های اصلی و گونه‌ها
۱۵۲	۱۵. شاکله زبانی و کاربرد زبانی
۱۶۰	۱۶. گونه‌ها در شاکله زبانی
۱۶۵	۱۷. نقش و مجمع
۱۷۰	۱۸. همتابینی

۱۷۹. کاتالیز
۱۸۳. هستنده‌های تحلیل
۱۹۰. زبان و غیرزبان
۲۰۸. نشانگان‌های تضمینی و فرانسانگان‌ها
۲۲۵. آخرین چشم‌انداز
۲۲۹. تعریف
۲۳۹. واژه‌نامه انگلیسی به فارسی
۲۵۱. واژه‌نامه فارسی به انگلیسی
۲۶۳. فهرست اعلام و اصلاحات
۲۸۳. فهرست منابع مورد ارجاع مترجم
۲۸۹. سال شمار مختصر حیات فکری لویی یلمزلف

پیش‌گفتار مترجم

کتاب کلاسیک تمهیداتی بر نظریه زبان نماینده شاخص ژرف‌ترین و پیچیده‌ترین عصر حاضر است که تا کنون در باب زبان وضع شده است: گلوسم‌شناسی.^۱ در این کتاب بسیار سخت‌خوان شالوده‌های این نظریه، که ویژگی‌های بارزش روزآمدگاری^۲ و کل‌گرایی^۳ مطلق است، به‌نیکی تشریح شده است. خاستگاه انتقیر نظریه گلوسم‌شناسی همان چرخش زبانی اندیشه در اوایل قرن بیستم است که با انتشار کتاب دوره زبان‌شناسی عمومی^۴ فردینان دو سوسور^۵ مخفی گشت. البته یلمزلف بسیار پا فراتر می‌گذارد: او با معرفی گلوسم‌شناسی^۶ سرعنوان علمی عمومی و شالوده‌ای معرفت‌شناختی، ایده‌های سوسور را تا سرحدات نام‌پی می‌گیرد و موجبات الزامات پروژه و جنبش فکری عظیمی در «عالم زبان» (انسان و جهان) را فراهم می‌سازد؛ جنبشی که بنا به مقتضیات تاریخی پس از گام‌های نخست یلمزلف دیگر از حرکت باز ایستاد. ژولین گرامس^۷ نام‌آشنا، بانی و نظریه‌پرداز اصلی مکتب نشانه‌شناسی پاریس، در پیش‌گفتاری که بر ترجمه فرانسوی کتاب تمهیدات (۱۹۷۱) می‌نویسد، درباره رابطه یلمزلف و ایده‌های سوسور می‌گوید: «[یلمزلف] خلف راستین و شاید تنها وارث حقیقی سوسور بود که توانست تمام مقاصد و ایده‌های او را روشن سازد و

1. Glossematics

2. immanence

3. holism

4. *Cours de la linguistique générale*

5. Ferdinand de Saussure

6. J. A. Greimas

آنها را به معین ترین شیوه صورت بندی کند».

گرماس در مصاحبه‌ای که در سال ۱۹۹۱ منتشر شد از الهام پذیری اش از کتاب تمهیدات چنین یاد می‌کند: «کلود لوی-استروس^۱ گفته بود که هر بار پیش از دست به قلم بردن، سه صفحه از ۱۱۸م برومر^۲ کارل مارکس را بازخوانی می‌کند. برای من درست همین امر در مورد این اثر یلمزلف^۳ ریمه^۴ ذاتی بر نظریه زبان] صادق است» (۱۹۹۱: ص. ۲۶۳). خواندن مجدانه کتاب تمهیدات، با دشواری‌ها و پیچیدگی‌هایش، یقیناً دریچه‌های جدیدی را به فهر زبان‌پروردگی می‌گشاید؛ حال خواننده این کتاب چه زبان‌شناس باشد، چه فیلسوف و چه یک مخاطب کنجکاو. متأسفانه تا کنون در زبان فارسی هیچ کوه ترمه، شرح یا پژوهش معتبری درباره گلوسم‌شناسی در اختیار نداشته‌ایم (البته بحران‌نامه خود من: شاکری، ۱۳۹۵). نام‌های یلمزلف، حلقه کپنهاگ، گرامر، ماتیک (گلوسم‌شناسی) همواره به عنوان موجودیت‌هایی مجهول‌الهویه در کتاب‌های درسی تاریخ زبان‌شناسی می‌آیند و خیلی زود به عنوان نقاط تاریکی در تاریخ مطالعات زبانی فراموش می‌شوند. البته در سه کتب بطور بسط‌تری به این نام‌ها پرداخته شده است: ۱. سیر زبان‌شناسی (۱۳۶۰) نوشته مهدی مشکوة‌الدینی، که در هشت صفحه شرحی مبهم، ناقص و تا اندازه‌ای بی‌اطنداناز از گلوسم‌شناسی یلمزلف ارائه می‌دهد؛ ۲. مکاتب زبان‌شناسی نوین در غرب (۱۳۸۹) نوشته پیتر سورن^۳، با ترجمه علی محمد حق‌شناس، که گرچه شرح پانزده صفحه‌ای اش از گلوسم‌شناسی دقیق است، اما باز هم ناقص است؛ ۳. تاریخی مختصر زبان‌شناسی ساختارگرا (۱۳۸۹) نوشته پیتر متیوس^۴، با ترجمه راحله گندمکار، که در دوازده صفحه نکات جالب توجهی از نظریه یلمزلف را شرح می‌دهد؛ اما علاوه بر

1. Claud Lévi-Strauss

2. Le 18 Brumaire

3. Pieter Seuren

4. Peter Matthews

ناقص بودن، ترجمه ضعیف و پرلغزش از ارزش این کار کاسته‌است. جدای از نقصان ادبیات لازم در این حوزه، من حتی استاد یا پژوهشگری را نیافتم که حتی المقدور یک بار کتاب تمهیدات را به‌طور جدی به‌خواندن نشسته‌باشد.

با توجه به این شرایط لازم دیدم تا در این مجال، پیش از پرداختن به توضیحات درباره ترجمه پیش رو، شرحی مختصر، کلی، تاریخی و تا حد حاشیه‌ای درباره چیستی و جایگاه نظریه زبانی یلمزلف ارائه کنم:^۱

تاریخ منقول

زبان‌شناسی هجدهمین پس از یک قرن تلاش گسترده، اکنون دیگر سال‌هاست که توجه‌یافته است. جایگاه مهم خود را به‌عنوان رشته‌ای در میان دیگر رشته‌های علوم انسانی احراز کند. ایده‌های ناب سوسور و پس از آن تلاش‌های دانشمندانی چون بلوغ‌بلد^۲، سپیر^۳، بنونیست^۴، فرث^۵، جونز^۶، تروبتسکوی^۷، یاکوبسون^۸، یلمزلف و بسیاری دیگر، بستری را مهیا ساخت تا «زبان‌شناسی» بتواند هویت خود را در پارادایم‌های مختلف تثبیت گرداند، روش‌ها و موضوع‌های پژوهش خود را تدقیق کند و رویکردهای مشخصی را برای رویارویی با آن چیزهایی که دیگر پارادایم «زبان» خوانده‌می‌شود، معرفی کند. در این شرایط و در پی تشاکشی که میان ایده‌ها و پارادایم‌های نوپا درگرفت، برخی توانستند جایگاه خود را تثبیت

۱. لازم به‌ذکر است که بخش‌هایی از این توضیحات را پیش‌تر در مقاله‌ای تحت عنوان «بازگشت به گلوسم‌شناسی: چرا و چگونه؟» (۱۳۹۴) در وبگاه انسان‌شناسی و فرهنگ، و نیز بخش‌هایی از آن را در فصل دوم رساله کارشناسی ارشدم تحت عنوان «شرح تبیینی و انتقادی نظریه زبانی لویی یلمزلف و نمونه کاربرستی از آن در تحلیل زبان فارسی» (۱۳۹۵) آورده‌ام.

2. L. Bloomfield

3. E. Sapir

4. E. Benveniste

5. J. R. Firth

6. D. Jones

7. N. Trubetzkoy

8. R. Jakobson

کنند و همراه با گسترش آکادمیک رشته «زبان‌شناسی» و نیز توسیع و تبادل ایده‌ها در/با حوزه‌های دیگر دانش — بخصوص حوزه عمومی و فلسفه — ایده‌هایی نو پیروانند و خود را به عنوان رویکردهای بهنجار «زبان‌شناسی» برای بررسی زبان معرفی کنند.

در این میان، پارادایم مد نظر چامسکی^۱، یعنی رویکرد «زبان‌شناسی ریشه‌ای»^۲ — که البته در تاریخ درونی خود نام‌ها و انشعاب‌های مختلفی به خود دیده است — جایگاه ویژه‌ای داشته است. در ایالات متحده ظهور این اندیشه نه تنها در طی چند سال به رویکرد غالب و پرطرفدار زبان‌شناسی آمریکایی بدل شد، و در دیگر نقاط دنیا نیز به عنوان رویکردی قابل توجه حیاتی پویا داشته باشد. مجموعه پارادایم‌های دیگری که معمولاً تحت عنوان کلی «ساختارگرایی»^۳ (رابطی/قاره‌ای) از آنها یاد می‌شود و غالباً خود را مستقیماً وام‌دار «بوسوینی»^۴ اند، نیز پس از تلاش‌های گوناگون در مسیرهای گوناگون توانستند به‌راستی به عنوان مهره‌های کلیدی در زبان‌شناسی امروز معرفی کنند. در تاریخ این پارادایم‌ها «مکتب پراگ»^۵ جایگاه و مقبولیت ویژه‌ای داشته است. از آنجمله همین مکتب بود که تلاش‌های گسترده افرادی چون یاکوبسون پیشران‌های بسیار حاصل کرد و نظریه عمومی مارتینه^۶ تحت عنوان «زبان‌شناسی نقش‌گرا»^۷ مطرح گشت که هنوز پس از گذشت بیش از پنجاه سال، به‌خصوص در فرانسه، بسیار پرکاربرد است. رویکرد تازه‌تر دیگری که بویژه در دهه اخیر بسیار مورد استقبال واقع شده است و خاستگاه‌های بسیار متنوعی دارد، رویکردی است که در آن زبان به مثابه ابزاری است که نقش‌هایی در زندگی اجتماعی-اقلیمی ایفا می‌کند و از این حیث آن را با عنوان پارادایم «نقش‌گرایی» می‌شناسند. چهره شاخص و مشهور این رویکرد مایکل

1. N. Chomsky

2. Generative Linguistics

3. Structuralism

4. Prague School

5. A. Martinet

6. Functional Linguistics

هلیدی^۱ است که «دستور نقش‌گرای نظام‌مند»^۲ او چارچوب نظری بخش قابل توجهی از پژوهش‌های آکادمیک را به خود اختصاص داده‌است. رویکرد تازه و مهم دیگری که باز خاستگاه‌های متنوعی دارد «رده‌شناسی/سنخ‌شناسی زبان»^۳ است که هم و غم خود را مسأله «جهانی‌های زبان»^۴ قرار داده‌است. همچنین در پی پیشرفت‌های تکنولوژی، و همگام با گسترش علم عصب‌شناسی و مغز، نظرگاهی نو پا به عرصه گذاشت که این بار دیگر زبان را به مثابه امری زیستی-عصبی می‌دید و ادراک/شناخت را میسر می‌ساخت. این همان چیزی است که امروز با عنوان «زبان‌شناسی شناختی»^۵ آن‌نای هست. در این نظرگاه حیطه‌های «روان‌شناسی زبان» و «عصب‌شناسی زبان»^۶ نقشی محوری دارند. البته در دل زبان‌شناسی شناختی رویکردهای متنوع و گاه متضاد وجود دارد که برخی از این رویکردها جنبه عصب‌شناختی یا روان‌شناسی زبان را در اولویت‌های نظری پسین قرار می‌دهند. امروز گرایش به سمت زیر پارادایم (اگر اصلاً پارادایمی مشخص داشته‌باشد و جایز باشیم نام را ادامه بر آن بگذاریم) با شتاب زیادی رو به فزونی دارد تا جایی که برخی معتقدند که آینده علم زبان‌شناسی را پژوهش‌های «شناختی» تعیین خواهد کرد.

در لابه‌لای این جریانات اصلی، و این پارادایم‌های معتبر و پرطرفدار، می‌توان افراد و گروه‌هایی را رصد کرد که ایدئولوژی‌هایشان یا رد و طرد شده‌اند؛ یا با تسامح به یکی از پارادایم‌های مسلط تقلیل یافته‌اند؛ یا مورد اغفال قرار گرفته‌اند و بکلی فراموش شده‌اند؛ یا در اقلیتی منزوی، با صدایی که بسختی شنیده می‌شود، به حیات خویش ادامه داده‌اند. گلوسم‌شناسی مد نظر یلمزلف از نمونه‌هایی است که تمام این

1. M. A. K. Halliday

2. Systemic Functional Grammar

3. Linguistic Typology

4. Linguistic Universals

5. Cognitive Linguistics

موارد برایش صادق است و در زمره این حاشیه‌نشینان قرار می‌گیرد.

نقد تاریخ منقول

آنچه در بالا به‌طور بسیار مختصر و ناقص بیان شد، تقریباً با تمام تاریخ‌های عمومی و «معتبر» زبان‌شناسی هماهنگ و همراستاست (هر چند شاید به‌غیر از آخرین بند آن). این همان روایت معمولی است که داستان سیر اندیشه در باب «زبان» را در حیطه «زبان‌شناسی» (یعنی آنجا که قرار است علم کلی دربارهٔ کلیت زبان ساخته‌شود) در چارچوبی آکادمیک برای افراد — دانشجویان و محققان — دانشگاهی — نقل می‌کند. این روایتی حقیقتاً «واقعی» از اکثریت دنیای باطنی است. این واقعیت است که مکتب پراگ بیشترین نقش را در ایجاد مفاهیم اساسی مطالعهٔ زبان ایفا کرده‌است. این واقعیت است که ایده‌ها، نوآوری‌ها، مسک‌ها و تلاش‌ها برای برپایی یک نظریهٔ نحو‌بنیاد در باب زبان (همان چیزی که در زبان‌شناسی آمریکایی با عنوان «انقلاب چامسکیایی» شناخته می‌شود) شیوهٔ نگریستن به زبان، موضوع‌های مطالعاتی و سرنوشت بخش عظیمی از اندیشهٔ زبانی را برای چندین دهه تعیین کرده‌است. و نیز دیگر اظهاراتی که می‌توان دربارهٔ دیگر پارادایم‌های قدرتمند و «معتبر» — که به‌برخی از آنها اشاره شد — بیان نمود، همه واقعیت‌هایی هستند که جریان‌ات عمده و جغرافیای آنها را بر ما بازمی‌نمایانند. پژوهش‌گر زبان و زبان‌شناس با آگاهی به این واقعیت‌ها می‌تواند مسیرش را برگزیند و در همراهی با هم‌مسیرانش سهواً خود را در پیشبرد دانش از «زبان» ایفا کند. اما همین جا لحظهٔ درنگ است: آیا اتکا به آنچه در جریان است، به آنچه اکثریت بالفعل شده در تاریخ است، به آنچه اندیش‌ورزان فراوانی بر آن قول دارند، و در کل به آنچه «معتبر» معرفی می‌شود، کفایت می‌کند؟ آیا آن دیدگاه‌ها و نظریه‌هایی که تعیین‌کنندهٔ سرنوشت و مسیر زبان‌شناسی معرفی می‌شوند — حتی بدون توجه و تأکید بر نیروهای دخیل در مشروعیت‌دادن به این معرفی — همان «بهترین‌ها»

هستند؟ آیا آن «واقعیت تاریخی» — که همواره به واسطهٔ وضع اکثریت تعیین می‌یابد — است که شاهراه‌های نیل به «حقیقت» را نشان می‌دهد؟ تا چه میزان می‌توان/می‌بایست به‌معنای مشروع بودن یک یا چند رویکرد و مهجور بودن رویکردهای دیگر دل بست؟ البته باید این نکته را هم گفت که مقصود از درنگ بر سر چنین پرسش‌هایی به‌هیچ وجه بی‌اهمیت جلوه‌دادن تلاش، رویکردها و پارادایم‌های مذکور و خط بطلان کشیدن بر نتایجی که به دست آورده‌اند نیست؛ بلکه مسألهٔ مهم خود طرح چنین تشکیک‌هایی است نه امکان آن. نگرانی به تاریخ را مهیا می‌سازند و از تعجیل در نهایی کردن شیوه‌های دست‌نشانده و واپس‌رانی نقاط درخشانی که واقعیت بالفعل تاریخی آنها را به‌خوبی ساخته رهایمان می‌کنند.

اکنون دیگر نمی‌خواهیم بیش از این به این نقد و تشکیک پردازیم. گرچه لازم است اما مجاز نیست و باید گامی به جلو برداریم. از دل آنچه تا بدین جا بیان شد، پرسش‌هایی بیانی لازم به طرح‌اند که تأمل در آنها بسیار راهگشا و تعیین‌کننده خواهد بود. آن چیز یا چیزهایی که در تمام پارادایم‌های مذکور و در دیگر نظرگاه «زبان» خوانده می‌شود چیست؟ یا به بیانی دیگر، وقتی که از «زبان» حرف می‌زنیم، از چه حرف می‌زنیم؟ این پرسش گره‌خورده با این پرسش دیگر است که: «نظریهٔ زبان‌شناسی» چیست؟ چه اهدافی و چه وظایفی را برای دانش، معرفت یا علم به «زبان» متصور می‌شویم؟ آیا تعریفی از «زبان» و «زبان‌شناسی» در نظرگاه‌های موجود — هر چند که معمولاً به شکلی تدقیق نشده‌اند — وجود دارد که توانسته باشد به‌طور مطلق حقانیت را به خود تخصیص دهد و دیگر نظریه‌ها را طرد کند؟ با نگاهی گذرا به تاریخ منقول می‌توان بوضوح دید که چنین چیزی هرگز واقع نشده و تلاش‌های پراکنده برای تحقق بخشیدن به این خواسته بی‌سرانجام مانده‌اند (در اینجا مشخصاً می‌توان تلاش‌های برخی افراد درون پارادایم زایشی را برای تثبیت ظهور دستور زایشی به‌عنوان یک انقلاب علمی یادآور شد). البته قرار نیست امکان این امر را، که خود

انگیزه‌ای مهم برای پیشبرد دانش است، نادیده بگیریم. مسأله این جاست که تشخیص چنین وضعیتی و تلاش برای بازنگری به پرسش‌های اولیه، شتاب‌زدگی ما را در تأیید تنها یکی از پارادایم‌های موجود مهار می‌کند و راه را برای تأمل در نظرگاه‌هایی که پاسخ‌های متفاوتی برای این پرسش‌های اول دارند هموار می‌سازد.

اما با تمام این اوصاف، آن نقطه نسبتاً کور متعلق به جغرافیای دانش زبان‌شناخت که تا حد زیادی از دیدرس تاریخ منقول/ بالفعل شده به دور مانده است، و در عین حال پاسخی متفاوت برای پرسش‌های اولیه به دست می‌دهد، در مورد احراز چه شرایطی بررسی‌اش اهمیتی دوچندان می‌یابد و می‌تواند در شرایط کنونی به‌طور مقتضی مورد توجه قرار گیرد؟ پاسخی که من برای این پرسش متعوی می‌شوم با آنچه در صدد معرفی‌اش هستم، بی‌ارتباط نیست: این نظرگاه با قابلیت ایجاد ارتباط با گستره عظیمی (و حتی همه) پارادایم‌های تثبیت‌شده در دسترس، باید توان بررسی و بهره‌وری از نتایج حاصل در دیگر نظرگاه‌ها را داشته‌باشد؛ باید از حیث نظری چنان غنی باشد که امکان برپایی یک پارادایم تمام و کمال را میسر گرداند؛ باید به‌گونه‌ای از زبان و علم زبان سخن بگوید که به‌تکه‌گویی‌های پراکنده اکتفا نکند؛ ایده‌اش را بدون تضمین بازگشت آن به کنار گذاشته می‌شود تقلیل ندهد؛ و مهم‌تر از همه این که در قبال آنچه که در غالب نظرگاه‌ها هر بار به‌شیوه‌ای از دست می‌رود، یعنی «زبان» با تمام ملازماتش، رویکردی در خور اتخاذ کند. اینها، در کنار تمام ملاحظات و تا بدین جا بیان شد، همان‌هایی‌اند که پس از رصد کردن و گشت و گذار در وادی اندیشه زبانی، در نظرگاه «لویی یلمزلف» و علم عمومی «گلو سم‌شناسی»‌اش یافتیم.

کلیاتی پیرامون گلو سم‌شناسی

توصیف درخشان یلمزلف از «زبان» در نخستین بند از کتاب

تمهیدات، حاکی از آن است که در گلوسم‌شناسی نه با اشکال تقلیل‌یافته «پدیدهٔ زبان» سروکار داریم و نه صرفاً با جنبه‌های بیرونی و عرضی آن، بلکه زبان در کلی‌ترین مفهوم ممکن و به‌عنوان شالودهٔ غایی زیست انسانی نگریسته می‌شود. گرچه در دیگر نظرگاه‌ها نیز می‌توان توصیفاتی از این دست یافت؛ اما آنچه معمولاً رخ می‌دهد یا این است که در مبادرت برای برساندن نظریه‌ای برای نیل به دانش به‌زبان، این نقطه‌نظر نخستین رفته رفته رنگ می‌بازد و جای خود را به نقطه‌نظری متعالی^۱ می‌دهد، و یا این که در پی اصرار بر ماندن در این دقیقهٔ درخشان، دغدغهٔ مبادرت‌ورزی به‌برساختن نظریهٔ دوم می‌رود (این مورد دوم را می‌توان در فلسفه‌های نوینی که از زبان سخن می‌گویند — بخصوص در حیطهٔ فلسفهٔ قاره‌ای — مشاهده کرد). تأکید بر این که سیف کل‌نگر و حفظ آن، یقیناً بار بسیار سنگینی بر دوش نظریه‌پرداز می‌نهد. یلمزلف در مسیر دشوار تدارک نظریه‌اش همواره سعی بر حفظ این دقیقهٔ نخستین دارد، دقیقه‌ای که جلوه‌اش را در دقیقهٔ واپسین باز می‌یابد.

اما برای یلمزلف، رسیدن به این مهم چگونه میسر می‌شود؟ این مسأله در پیوندی بنیادی با دیگر پرسش اولی، پرسش از چگونگی نیل به دانش به‌زبان، قرار دارد. در دیدگاه یلمزلف، تنها مسیر برای نیل به کلیت همه‌گیر زبان، از دل «درون‌ماندگاری» می‌گذرد. در اینجا باید نکته‌ای اساسی را مد نظر قرار داد: آنچه ما از مفهوم «درون‌ماندگاری» نزد یلمزلف درمی‌یابیم نباید با استفاده از این اصطلاح در نظریات‌های حوزه‌مدار و حتی متعالی که آن را به‌مثابهٔ لازمه‌ای صرفاً روش‌شناختی به‌کار می‌گیرند، خلط کنیم. این ایدهٔ «درون‌ماندگاری» اساساً با هر گونه بنیان‌اندیشگانی حوزه‌مدار در تعارض است. گرچه روش‌شناسی‌اش لاجرم متکی بر همین ایده و بالطبع «درون‌ماندگار» است، اما هرگز به‌آن قابل

تقلیل نیست. ایده «درون‌ماندگاری» مبادی‌اش را در اندیشه مدرن، در فلسفه‌هایی هم‌چون فلسفه اسپینوزا و نظام درون‌ماندگار اخلاق او باز می‌یابد. همین ایده پس از گذر از دل «نقد»‌های کانت و چرخشی که در ساحت فلسفه ایجاد شد، در نظام فلسفی پیچیده و دشوار هگل (البته در شکل رשמایلی متفاوت) بسیار غنی و پربار می‌گردد. رد این ایده را می‌توان در اشکال متفاوت فلسفه معاصر، از نیچه و برگسون گرفته تا فوکو، در بیان نماینده شاخص اندیشه درون‌ماندگار در فلسفه امروز، ژیل دلوژ، دنبال کرد. در این نقاط است که نیل به درون‌ماندگاری به‌غایتی برای اندیشه بدن می‌دهد. درباره خود ایده درون‌ماندگاری و نیز پیوند آن با نظریه زبان به‌کنکاش‌ها و مباحث بسیاری نیاز است که این مجال فرصت آن را نمی‌دهد. اما نکته تمایز بخش در اندیشه یلمزلف، یعنی آنچه خود او به «تجاوز به حیطه معرفت‌شناسی» تعبیرش می‌کند، چیزی است که باید آن را تصریح نمود: تنها مسیر به‌دانش درون‌ماندگار از دل نگاه به «زبان» می‌گذرد. این نگرش که ضرورت ذاتی نظریه بدیع گلوسم‌شناسی محسوب می‌شود، هنگامی بروشنی متجلی می‌گردد که کل استدلال‌ها، تعاریف و نظام نظری مد نظر یلمزلف — بخصوص آنچه در باب تمهیدات می‌آید — در تمامیتی یکپارچه مورد مذاقه قرار گیرد.

پس می‌توان گفت گلوسم‌شناسی، نظریه‌ای «کاملاً» «درون‌ماندگار» (البته در فهم ضرورتاً سخت‌گیرانه یلمزلف از این مفاهیم) است. گرچه تلاش‌های یلمزلف پیوند عمیقی با ایده‌ها و مطلوب‌های سوسور دارد، اما باید توجه داشت که یلمزلف اصلاحات و تغییرات بنیادینی در ایده‌های سوسور ایجاد می‌کند و آنها را در گسترده‌ترین شکل ممکن بسط می‌دهد. همین جاست که باید به یکی از جنبه‌های اساسی گلوسم‌شناسی اشاره کرد: هدف غایی نظریه زبان نه توصیف یک «زبان طبیعی»، و نه حتی توصیف

«زبان» در مفهوم کلی آن، بلکه نیل به‌دانشی فراگیر در باب «انسان و جهان» یا «بشریت و عالمیت»^۱ در همکاری مداوم و پویا با تمامی دیگر حیطه‌های دانش است. اعلام این هدف غایی — که اقتضای خود نظریهٔ زبان یلمزلف است — به‌یاری تعریف مفاهیمی اساسی در چهار بخش پایانی کتاب تمهیدات میسر می‌شود.

آنجا که قرار نیست در این مجال کوتاه به‌خود نظریهٔ گلوسم‌شناسی ورود کنیم، به‌چیستی آن بپردازیم، به‌همین اشاره‌ها بسنده می‌کنیم و تنها به‌عنوان نکتهٔ آخر ساز و کار نظریه را در پیوند با هدف درونی آن از پیش چشم می‌گذرانیم. آنچه که با در نظر گرفتن ملاحظات مطرح‌شده باید به‌عنوان یک ویژگی بارز در سم‌شناسی مورد توجه قرار گیرد این است که این نظرگاه به‌دنبال بساطت، یک «دستگاه محاسباتی»^۲ تماماً «صوری»^۳ و «اختیاری/دل‌خواهی»^۴ است. این همان ایده‌آل مد نظر سوسور است — بخصوص دست‌نوشته‌های تازه‌کشیده از وی مؤید چنین اظهاری است (رجوع کنید به شرح تازهٔ پل بویساک^۵ ۳۵۸) —. گلوسم‌شناسی برخلاف آنچه که غالباً در زبان‌شناسی (و نیز در دیگر علوم) رایج است، سنگ محک توصیف خود را نه در داده‌های تجربی‌ای نه معمولاً اصطلاح «امور واقع» برجسب‌گذاری می‌شوند، بلکه در جامعیت، سازگاری درونی و سادگی خود تحلیل جست و جو می‌کند. از این رو گلوسم‌شناسی همین خردمان‌بندی‌ای با واقع‌گرایی خام ندارد. نیز این نظرگاه هرگز به‌دنبال جهان‌بندی بالفعل نیست: صورت‌بندی‌های جهانی هرگز یافتنی نیستند، بلکه «اصول ساختاری» جهانی، که طبق تعاریف یلمزلف ضرورتاً خصلتی «مجازی»^۶ دارند، یافتنی‌اند. به‌بیانی دیگر — و البته متفاوت با اصطلاحات گلوسم‌شناسی —، نظریهٔ زبانی یلمزلف در پی «امور کلی»^۷ است، نه «امور جهانی». به‌نظر من، اتخاذ

1. "humanitas et universitas"

2. calculus

3. formal

4. arbitrary

5. Paul Bouissac

6. virtual

7. the generals

چنین دیدگاهی از حیث اخلاقی و سیاسی نسبت به آنچه در دیگر نظرگاه‌ها رخ می‌دهد به‌ایده «دموکراسی» نزدیک‌تر است. پارادایم‌های معتبر و تثبیت‌شده زبان‌شناسی نوین در بخش قابل توجهی از ایده‌پردازی‌ها و تلاش‌هایشان، بالاخص در نیمه دوم قرن بیستم، با تأکید بر جهانی‌های بالفعل در جهتی متفاوت گام نهاده‌اند و از این رو پری‌راه نیست که گاهی برخی منتقدین به‌نظریه‌های افرادی چون چامسکی انگ گام‌نهادن در مسیر «فاشیسم» را می‌زنند. البته انگ‌زنی و نادیده‌انگاشتن ارزش کار اندیشگانی ایر پارادایم‌های معاصر هرگز مطلوب نیست و قرار نیست در تلاش‌های مهم‌تر به‌چنین رفتارهایی دامن بزنیم.

تاریخچه مختصر علوم زبان‌شناسی

پیش از گلوسم‌شناسی

لویی ترول یلمزلف، پسر دانش‌پژوهان برجسته دانمارکی، در ۳ اکتبر ۱۸۹۹ در شهر کپنهاگ متولد شد. وی «فیلولوژی تطبیقی»^۱ را تحت لوای هولگر پدرس^۲ آموخت و در سال ۱۹۲۶ مدرک فوق‌لیسانس خود را اخذ نمود. پس از گذراندن یک سال در پراگ به پاریس عزیمت کرد و همان‌جا، طی سال‌های ۱۹۲۶ و ۱۹۲۷، بخش اعظم نخستین اثرش اصول دستور عمومی^۳ (۱۹۲۸) را به‌نگارش درآورد. او رساله دکترای خود را با موضوع «تغییرات آوایی زبان لیتوانیایی» و در سیاقی سنتی نگاشت. در سپتامبر سال ۱۹۳۴ در دانشگاه آرهوس^۴ به‌عنوان «استاد مدعو و دانشیار فیلولوژی تطبیقی» مشغول به‌کار شد؛ صرفاً با این هدف که بتواند در آینده جانشین هولگر پدرس شود و کرسی «استاد فیلولوژی تطبیقی» را در دانشگاه کپنهاگ تصاحب کند (که این اتفاق در سال ۱۹۳۷ محقق شد). وی علی‌رغم

1. Comparative Philology

2. Holger Pedersen (1867-1953)

3. *Principes de grammaire générale*

4. Århus

پیشنهادهای تملق‌آمیز بسیار از سوی دانشگاه‌های بزرگ خارج از دانمارک، تمام باقی عمرش را در کپنهاگ گذراند، و به‌انجام سفرهای علمی متعدد، بالاخص پس از جنگ جهانی دوم، بسنده کرد (گرگرسن، ۲۰۰۶، ص. ۳۶۰). بارقهٔ اولیهٔ نظرگاه گلوسم‌شناسی، در دوران نوجوانی یلمزلف و، هنگامی زده‌شد که با کژروی‌های آوایی در گفتارش، که هیچ خللی در درک متقابل ایجاد نمی‌کرد، مواجه گشت. بعدها پس از خواندن کتاب دورهٔ زبان‌شناسی عمومی (۱۹۱۶) منتسب به‌سوسور، و مذاقه در ایده‌های آن، بسیر از هم‌خانه‌ای آنها با نظرات خویش استقبال نمود و مطالعات گسترده‌اش را بر روی شمار کثیری از زبان‌ها و نیز نظریات دیگر در زبان‌شناسی، محقق و بسط داده آغاز کرد.

یلمزلف در نخستین اثرش (۱۹۲۸)، که مهم‌ترین کتاب او پیش از معرفی گلوسم‌شناسی محسوب می‌شود) به‌دنبال بنیادنهادهای دستور زبان به‌مثابه «حوزه‌ای خودمختار است» و در این راه، بر اساس تفسیر خاص خود از سوسور، ابژهٔ دستور خودمختار را صرفاً در مرز بین روان‌شناسی و جامعه‌شناسی می‌جوید و در تلاش است تا با معرفی مفهوم «زیرآگاهی»^۱ بستری را برای شیوه‌ای جدید در بررسی دستور زبان فراهم آورد. لورنزو چیگانا^۲ در گزارش پژوهشی دربارهٔ این امر، که در نوزدهمین کنگرهٔ بین‌المللی زبان‌شناسان^۳ ارائه داده‌است، بر این امر تأکید می‌کند که تمرکز اصلی یلمزلف بر تعیین «جایگاه» و «حدود» ابژهٔ نظری خود، صرفاً به‌منفک بودنش میان امور زبانی و تنظیم حیطهٔ پژوهشی‌اش صرفاً به‌منفک بودنش به مرزهایش با دیگر حیطه‌ها است. در این راستا هم‌رأیی و تأثیرپذیری او را از اندیشمندانی چون لوی-برول^۴، دلاکروا^۵، یسپرسن^۶، هربارت^۷

1. subconscious

2. Lorenzo Cigana (2013)

3. 19e Congrès international des Linguistes

4. Lévy-Bruhl

5. Delacroix

6. Jespersen

7. Herbart

ساپیر^۱، دلبروک^۲، ویول^۳، سشویه^۴، میه^۵، بالی^۶ و از همه مهم‌تر سوسور بررسی می‌کند.

یلمزلف مفهوم «زیرآگاهی» را بر اساس خوانشی که از آثار لوی-برول داشته‌است، و در نظرگاه سوسوری و ویژه خود صورت‌بندی می‌کند. چيگانا «صیغه زیرآگاهانه امور زبانی» نزد یلمزلف را بسیار به‌مطلوب مد نظر سوسور در سومین دوره تدریسش (سوسور، ۱۹۹۳) نزدیک می‌داند و بر این اساس ارتباط میان مفاهیم سوسور و دیدگاه یلمزلف در اصول دستور عمومی را بررسی می‌کند. خلاصه این بررسی را می‌توان ذیل این سه مورد بیان نمود:

۱. با پایه قراردادن اصل استیاری بودن نشانه‌ها «نزد سوسور» و تعدیل آن، یلمزلف در توجیه زیرآگاهانه بودن امور زبانی این امر را اثبات می‌کند که حتی «تهی‌ترین» صورت‌های «توری نیز معنی دارند، حتی صورت‌هایی — به‌قول سوسور — با «اندکیش»^۷ سف

۲. طبق این حکم سوسور که «هم‌زمانی تنها واقعیت ملموس زبان‌شناسی است»، یلمزلف قادر می‌شود ارزش روان‌شناختی دستور را بازشناسد.

۳. یلمزلف با دست‌مایه قراردادن دو مفهوم «زبان» و «نقش‌دهی قیاسی»^۹ نزد سوسور، و تلفیق آنها، نتیجه می‌گیرد که تمام‌های دستوری هیچ مقیاس عامدانه‌ای ندارند؛ بلکه تماماً «خودک‌بود»^{۱۰} هستند؛ مفصل‌بندی^{۱۱} همنشینی و جانشینی.

آرمان نظری یلمزلف در این اثر و مفاهیم و مسائل مطرح‌شده در آن قرابت نزدیکی با اهداف رویکردهای تازه‌ظهور شناختی دارد. بررسی موشکانه این اثر می‌تواند دستاوردهای جالب و مفیدی برای این رویکردها

1. Sapir

2. Delbruk

3. Wiwel

4. Sechehaye

5. Meillet

6. Bally

7. motivation

8. linguistic mechanism

9. analogical functioning

10. blind automatism

11. articulation

داشته‌باشد. البته خود یلمزلف رفته‌رفته از این رویکرد فاصله می‌گیرد و هدف خود را دست‌یابی به علمی تماماً درون‌ماندگار (همان گلوسم‌شناسی) قرار می‌دهد (علمی که به عقیده خود او مطلوب غایی سوسور بود). این تغییر دیدگاه در دیگر اثر بسیار مهم او در دوره پیش از معرفی گلوسم‌شناسی، یعنی مقولهٔ حالت‌ها^۱ — که یکی از شاهکارهای بررسی ساختارگرایانهٔ زبان محسوب می‌شود — کاملاً مشهود است. اما چه خود یلمزلف^۲ چه دیگران^۳ بر هم‌خوانی کامل این پژوهش در باب نظام حالت‌ها با نظریهٔ بانی گلوسم‌شناسی تأکید دارند.

علاوه بر افرادی که در سطور بالا بدان‌ها اشاره شد، کارل باخه^۴ (۲۰۱۰، ص. ۱۶۷) اندیشمندان دیگری نام می‌برد که چه به‌طور مستقیم و چه به‌طور غیرمستقیم در این دوره بر آرای یلمزلف تأثیر گذاشته‌اند، از جمله: راسموس راسک^۵ (۶۰، یلمزلف بین سال‌های ۱۹۳۲ تا ۱۹۳۵ ویرایش آثار او را بر عهده گرفت و بین ۴۰۰ صفحه شرح بر آنها نگاشت)، ون هومبولت^۶ (که باخه وی را منبع الهام و برای تمایزگذاری بین دو نوع صورت، یعنی صورت بیان و صورت معنا می‌داند)، زبان‌شناسان مکتب پراگ و فرمالیست‌های روسی (که البته رویکردی کاملاً انتقادی نسبت به آنها داشت) و کارنپ^۷ (که در نظریهٔ فرازبان^۸ و همچنین تعاریف صوری متأثر از وی بود).

دوران گلوسم‌شناسی

لویی یلمزلف در سال ۱۹۳۱ به یاری چند تن از همکارانش «موسسه زبان‌شناسی کپنهاگ» را تأسیس کرد. وی در آنجا در همراهی با هی.

1. *La catégorie des cas* (1935-37)

۳. برای نمونه، ارمان، ۲۰۱۱

۲. به نقل از ویتفیلد، ۱۹۶۶، ص. ۶۱۷

4. Carl Bache

5. Rasmus Rask

6. Von Humboldt

7. Carnap

8. metalanguage

اولدال^۱ بر تدوین بنیان‌های یک نظریه زبانی نوین همت گمارد. همکاری یلمزلف و اولدال خیلی زود، پس از آغاز جنگ جهانی دوم، پایان یافت. در طی هفت سال (۱۹۳۳-۱۹۳۹) همکاری سخت‌کوشانه آنها — که الی فیشر-یورگنسن^۲ از آن به‌عنوان «تلاشی منحصر به فرد در تاریخ زبان‌شناسی» یاد می‌کند^۳ — شالوده بنیادین علم گلوسم‌شناسی ریخته شد. ماحصل این تلاش با جزوه‌ای چند صفحه‌ای با عنوان طرحی از گلوسم‌شناسی^۴ بود که در اواسط همکاری‌شان، به سال ۱۹۳۶ در کنگره بین‌المللی زبان‌شناسی ارائه شد. آنها پس از ارائه مقدمات نظریه‌شان (که نوید ظهور نظریه‌ای نوین و فراگیر را می‌داد) تعهد شدند که کتابی با همین عنوان را در شرح کامل گلوسم‌شناسی منتشر کنند. کتابی که یازده سال بعد، تنها بخشی از آن به تحریر اولدال، پس از مرگ او با عنوان طرح گلوسم‌شناسی: جلد نخست^۵ منتشر شد. یلمزلف که از کتاب اولدال راضی نبود، و آن را از آنچه پیش‌تر بر آن همت کرده بودند متفاوت می‌انگاشت، هرگز جلد دوم کتاب را — که از قرار معلوم نوشتنش بر عهده وی بود — منتشر نساخت.^۶ وی پس از جدایی‌اش از اولدال، تمام تمرکز و تمام خود را بر صورت‌بندی نظریه گلوسم‌شناسی قرار داد و ماحصل سال‌ها تلاش و اندیشه‌ورزی‌اش نخستین ویرایش از همین کتاب تمهیداتی بر نظریه زبان^۷ شد که در سال ۱۹۴۳ به زبان دانمارکی انتشار یافت. از آن سال تا به امروز، مباحث اصلی آشنایی با گلوسم‌شناسی و مطالعات مربوط به آن همین کتاب تمهیداتی بر نظریه زبان است. هر چند خود یلمزلف هدف اصلی نگارش آن را عمومی‌سازی و شیوع دیدگاه

1. H. J. Uldal

2. Eli Fischer-Jørgensen

۳. به نقل از الرت C. C. Elert، ۲۰۰۵، ص. ۱۵۳.

4. *An outline of Glossematics*5. *Outline of Glossematics: I* (1957)

۶. باخه ۲۰۱۰، ص. ۲۵۶۷.

7. *Omkring Sprogteoriens Grundlæggelse*

خود می‌دانست و تا پایان عمرش در تلاش بود تا اثری کامل‌تر و مبسوط‌تر منتشر سازد.

کتاب تمهیدات از حیث ایجاز و سخت‌یابی در نوع خود تقریباً بی‌نظیر بود (شاید نمونه‌ای مشابه را بتوان در رسالهٔ منطقی-فلسفی^۱ ویتگنشتاین^۲ یافت، که البته در آنجا زبان از منظری بسیار متفاوت نگریسته می‌شود). این کتاب در ابتدا درون حلقهٔ کپنهاگ مورد استقبال واقع شد، اما در ادامه این استقبال نتوانست به یک همراهی تمام‌عیار بدل شود. خود یلمزلف نیز بیشتر زمان خود را صرف ادامهٔ پژوهش‌هایش و ایجاد نسخه‌های اولیه از خود نظریهٔ زبان کرد. ترجمهٔ انگلیسی این کتاب به دست ویتگنشتاین^۳ و به خصوص نسخهٔ بازبینی‌شده و ویرایش‌شدهٔ آن با همکاری خود نویسنده (۱۹۶۰)، موجب شد تا نظرگاه گلوسم‌شناسی به‌طور گسترده‌تری در سطح جهانی، به‌خصوص توسط نظریه‌پردازان و فیلسوفان، مورد خوانش قرار گیرد. نخستین سخن انتقادی مبسوط از گلوسم‌شناسی را زبان‌شناس هلندی، ب. سیرتسیما^۴، در سال ۱۹۵۴ به‌تحریر درآورد. در سال‌های بعدی قرن بیستم نیز شرح‌های مختلفی بخصوص به‌زبان‌های دانمارکی، فرانسوی و ایتالیایی نوشته‌شد. هیچ‌یک از این شرح‌ها نتوانست تأثیر خود کتاب تمهیدات و بخصوص ترجمهٔ انگلیسی آن را داشته‌باشد. اما تأثیر این اثر پیش از آنکه بخواننده جایگاه مطلوبش را بداند، با به‌جریان درآمدن موج همه‌گیر دستور زایشی چامسکی کم‌کم رنگ و بوی خاص و اندیشهٔ مهم به‌حاشیه رانده‌شد.

یلمزلف در این اثنا چندین مقالهٔ مهم در باب گلوسم‌شناسی منتشر کرد که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: جستاری پیرامون نظریهٔ تکواژها^۵.

1. *Tractatus Logico-Philosophicus* (1921)

2. L. Wittgenstein

3. B. Sierstema

4. *Essai d'une théorie des morphèmes* (1938)

لاتگ و پارول^۱، فعل و عبارت اسمیه^۲، چینه‌بندی زبان^۳، در دفاع از معناشناسی ساختاری^۴، بیماری شدید چندساله و مرگ زودهنگام وی در سال ۱۹۶۵ سبب شد که حاصل تلاشش، برای تدوین نسخه‌ای اولیه از نظریه زبان، در زمان حیات خود او منتشر نشود. چند سال پس از مرگ وی، ویستفیلد به نسخه‌ای از پیش‌نویس آن کتاب معهود دست یافت و رانجام به کمک دیگر دست‌نوشته‌ها آن را ویرایش کرد و در سال ۱۹۷۵ (۵ سال پس از مرگ یلمزلف) تحت عنوان چکیده‌ای از نظریه زبان^۵ در تیرژس بر معرکه به زبان انگلیسی منتشر ساخت. انتشار این کتاب دوم در شرایطی صورت گرفت که دیگر گلوسم‌شناسی حکم «مهجور» شدنش را از دست تاریخ دریافت کرده بود و دیگر دغدغه‌ها و دل‌مشغولی‌ها سمت و سوی دیگری گرفته بود تا جایی که اکثراً حتی از وجود چنین کتاب دومی باخبر نشدند.

بار اصلی پیشبرد نظریه گلوسم‌شناسی را اساساً خود یلمزلف بر دوش می‌کشید. در دو دهه نخست همراهی با این نظریه بیشتر به حلقه کپنهاگ محدود می‌شد و به‌طور پراکنده همراهانی را نیز در دیگر کشورها، بخصوص در فرانسه، آلمان، هلند و ایتالیا، برای خود دست و پا کرد. گرچه ادبیات پژوهشی گلوسم‌شناسی در این دوره قابل توجه است، اما هیچ‌گاه نتوانست حتی به‌طور حداقلی آرمان‌های نظری یلمزلف را برآورد و پویایی لازم را ایجاد کند. پس از مرگ یلمزلف و ازهم‌پاشیدن حلقه کپنهاگ، همین همراهی‌ها هم کم‌کم رو به قهقرا نهادند.

1. *Langue et Parole* (1943)
2. *Le verbe et la phrase nominale* (1948)
3. *La Stratification du Langage* (1954)
4. *Pour une sémantique structurale* (1958)
5. *Résumé of a Theory of Language*